

## جایگاه بیانیه گام دوم در آینده نگری جمهوری اسلامی ایران

علی اکبر طارمی<sup>۱</sup>، افشین زرگر<sup>۲</sup>، حسینعلی نوذری<sup>۳</sup>، رحمت حاجی مینه<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

**چکیده:** از اساسی ترین ابزارهای حکمرانی، ترسیم هدف و برنامه ریزی برای تحقق نتایج و ثمرات سیاست های متخذه می باشد. آینده مفهوم مبهم و راز آلودی است که بشر برای مدیریت، کنترل، پیش بینی و پیش گویی آن تلاش قابل توجهی را مصروف داشته و می دارد. سیاستگذاری بدون مد نظر داشتن آینده آن، امری نامعقول و غیرقابل پذیرش خواهد بود. بر این اساس از جمله اموری که نظام های سیاسی باید به آن توجه ویژه ای داشته باشند، آینده نگری و ترسیم و تصویر سازی آن چیزی است که به واسطه برنامه ها و سیاست های خویش در صدد تحقق و رسیدن به آن هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز به واسطه تجربه ۴ دهه حکمرانی و سیاستگذاری این موضوع را از نظر دور نداشته است. صدور بیانیه گام دوم از سوی مقام معظم رهبری و در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی، در همین راستا قابل سنجش و ارزیابی خواهد بود. بر این اساس سؤال این نوشتار بدین صورت خواهد بود که: جایگاه بیانیه گام دوم در رویکرد آینده نگرانه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ فرضیه ترسیم شده، در پاسخ به پرسش مطرح شده بدین گونه است که: بیانیه گام دوم، جایگاهی راهبردی و تعیین کننده در آینده نگری جمهوری اسلامی ایران دارد. در واقع با تأکيدات مقام معظم رهبری در تمام ارکان نظام این رویکرد در حال تبدیل شدن به محور اصلی امور در شئون مختلف است. این نوشتار با بهره گیری از روش تحلیلی-تبینی و مبتنی بر روش سناریویسی در آینده پژوهشی، به بررسی عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی بر مدار آینده نگری خواهد پرداخت.

**واژگان اصلی:** آینده نگری، بیانیه گام دوم، جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی و سیاستگذاری.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران  
taromi1356@gmail.com
۲. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. (نویسنده مسئول)  
Zargar.a2003@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران  
h.a.nozari@gmail.com
۴. استادیار روابط بین الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، تهران، ایران.  
hajrahmat@gmail.com

## مقدمه

دنیای امروز آینده چگونه خواهد بود؟ این سئوالی است که انسان‌ها به اشکال مختلف در زندگی خود بارها و بارها آن را می‌پرسند. آینده برای هر فردی چه در مورد زندگی شخصی، کاری و یا اجتماعی؛ مسئله مهمی است که تبدیل به دغدغه ذهنی می‌شود، و در راستای آن به دنبال هدف گذاری، برنامه ریزی و ساختن طراحی برای رقم خوردن آینده آن گونه که می‌خواهد می‌شود. در این میان، آینده نظام سیاسی نیز می‌تواند دستور کاری برای پژوهش و برنامه ریزی برای ساختن آن باشد.

علم آینده پژوهی به واسطه امید به آینده، دورنگری و ترسیم چشم انداز و افق قابل رؤیت، به حاکمان کمک می‌کند تا بتوانند شرایط حال را نیز در راستای تحقق آینده ترسیم شده، مهیا نمایند. براین اساس به نظر می‌رسد، حکمرانی بدون آینده نگری و آینده پژوهی دوام و قوام لازم را نخواهد داشت.

انقلاب اسلامی ایران به واسطه اهداف و آرمان‌های بلند و متعالی خویش که برگرفته از مبانی اسلامی-ایرانی است، به ضرورت، باید آینده نگری و تحقق اهداف را جزء برنامه‌های خود داشته باشد. در این راستا با تأسیس نظام جمهوری اسلامی در صدد عینیت بخشیدن به آن اهداف برآمده است. اهدافی همچون پیاده سازی دین در ساحت سیاست و حکمرانی، تجربه ایی که از صدر اسلام به این سو به ندرت تجربه ایی موفق را به خود دیده است. این هدف و دغدغه در کنار بازسازی هویت و نیز الگوسازی جامعه اسلامی در چارچوب تمدن نوین اسلامی ترسیم یافته است. در این میان بیانیه گام دوم، بعنوان تبیین کننده و ترسیم کننده مسیردسترسی و تحقق اهداف و آرمان انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی بسیار قابل توجه و دقت نظر به منظور پیاده سازی است.

این نوشتار، تلاش می‌کند، ضمن بیان اهمیت و ضرورت آینده نگری و آینده پژوهی برای انقلاب اسلامی و جمهوری، مسیر طی شده در این راستا و میزان توجه به آن را مورد بررسی و آسیب

شناسی قرار داده و پیشنهادات و راهکارهای لازم از پس این کنکاش را در معرض دید و نظر قرار دهد. بهره گیری از روش تحلیلی-تیینی و نیز بررسی براساس روش سناریونویسی در آینده پژوهی با محوریت بیانیه گام دوم، دستور کار اصلی این نوشتار خواهد بود.

پرسش مورد نظر در این تحقیق بدین قرار است که؛ جایگاه بیانیه گام دوم در رویکرد آینده نگرانه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و فرضیه ترسیم شده بدین گونه است که؛ بیانیه گام دوم، جایگاهی راهبردی و تعیین کننده در آینده نگری جمهوری اسلامی ایران دارد. تجربه بیش از چهل ساله جمهوری اسلامی، اقداماتی چون برنامه های پنج ساله توسعه و چشم انداز ۱۴۰۴ را در مسیر ترسیم آینده به خود دیده است. اما صدور بیانیه گام دوم در چهل سالگی این نظام و تبیین شرایط گذشته، حال و آینده، نشانگر رویکرد دور اندیشانه مقام معظم رهبری، در پایه گذاری سیاست گذاری بر مدار آینده نگری همه جانبه است. بر این اساس و بر مبنای باور و دغدغه نگارندگان این نوشتار که الگوسازی از حکمرانی دین مدار مبتنی بر مؤلفه های دور اندیشی و آینده نگری عملیاتی و مبنایی را راه کار حضور و اثرگذاری در آینده می دانند، تلاش خواهد شد، ضمن بررسی مفهومی آینده نگری و با بهره گیری از بیانات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، به بررسی جایگاه بیانیه گام دوم در سیاستگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

### ۱-پیشینه آینده نگری

انسان از دیرباز در پی شناخت و کشف آینده بوده است و همواره تلاش نموده است از روش ها و راه های مختلفی همچون پیش گوئی، طالع بینی و... در پی دانستن از آن چیزی باشد که در آینده قرار است اتفاق بیفتد.

این اشتیاق به کشف دنیای پیش رو در وادی علوم و اندیشمندان نیز قابل مشاهده بوده و هست. به طوری که همیشه اقدامات در این راستا بوده است که آینده در دستان انسان و قابل کنترل باشد. این

وضعیت در ساختار حکمرانی نیز بروز و ظهور داشته است. آن جا که امرا و پادشاهان، همواره افرادی را در کنار خود با عناوینی مثل پیش گو... داشته اند تا از پیامد سیاست ها، دستورات و اقدامات آگاه شان سازند.

امروزه این موضوع به یک علم تبدیل شده است و به واسطه علمی شدن، دارای قواعد و اصولی گردیده است. به طوری که آن را از پیش گویی و... دور ساخته و در مسیر پیش بینی و تبیین آینده قرار داده است. علم آینده پژوهی به فرد، جامعه و حکومت کمک می کند تا نسبت به آنچه در آینده ممکن است و یا می تواند رخ دهد، آگاهی یافته و پیش از وقوع از نتایج احتمالی اقدامات مطلع گردد و مبتنی بر آن برنامه ریزی و سیاستگذاری نماید.

آینده پژوهی بر این باور است که آینده، پدیده ای موجود نیست و همواره با عدم قطعیت همراه می باشد. آینده می تواند خوب، بد، فرصت ساز، تهدید آور، شیرین، تلخ، رویایی و یا غم انگیز بر پا شود. پس می توان نتیجه گرفت که آینده قطعی و از پیش تعیین شده نیست. انسان با دخالت خود می تواند در راستای تحقق یا عدم تحقق آینده های خاص بکوشد. باید به این واقعیت نیز توجه داشت که هر اندازه احتمال ها و بدیل ها بیشتر باشد، امکان پیش بینی درست کاهش یافته و از دیگر سو ضرورت کار بست آینده پژوهی بیشتر و بیشتر خواهد شد. ناتوانی انسان، در پیش بینی قطعی رویدادها حکایت از آن دارد که آینده از پیش تعیین نشده است و به بیانی روشن تر، انسان آینده خود را رقم می زند (دارابی، ۱۳۹۶: ۲۵).

این موضوع در آیات و روایات نیز مورد توجه و تأکید بوده است. از جمله در سوره رعد؛ که خداوند تغییر و ترسیم آینده را منوط به خود انسان دانسته است " ... در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند ... " (سوره رعد، آیه ۱۱). حضرت امیر (ع) نیز در نهج البلاغه جملات ارزشمندی در این خصوص بیان فرموده اند. از جمله در خطبه ۱۵۳ که می فرمایند: چشم

دل انسان خردمند، پایان کارش را می بیند و نشیب و فراز خویش را می شناسد (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۶۰). و یا در بیانی دیگر حضرت می فرماید: پیروزی با دور اندیشی و آینده نگری به دست می آید (دشتی، ۱۳۸۴: حکمت ۱۵۳). بر این اساس توجه به آینده و آینده نگری از جمله مواردی است که مورد تأکید در دین اسلام بوده و حائز اهمیت قابل توجهی است.

بعد از جنگ جهانی دوم، ضرورت دانستن از آینده بیش از پیش احساس گردید. چرا که سرعت تغییرات در جهان و در حوزه های مختلف اعم از اقتصاد، سیاست، امنیت، اجتماع و ... به گونه ای بود که اگر برنامه ریزی مدون و تحلیل صحیحی از این تغییرات صورت نمی پذیرفت؛ امکان تحقق منافع و بهره مندی از آنها را با تردید مواجه می ساخت. بنابراین تلاش ها و اقداماتی در راستای بهره گیری از دانش آینده پژوهی، هر چند محدود آغاز گردید. در جمهوری اسلامی ایران نیز، برنامه ریزی های طولانی مدت، قدمت زیادی نداشته و در سالهای اخیر با ورود این مفهوم به واژگان سیاسی- اجتماعی به تدریج شاهد بهره گیری از آن در ادبیات گفتاری و نوشتاری اعم از سخنرانی ها، اسناد یا منابع حاکمیتی هستیم.

## ۲- نظریات مرتبط با آینده پژوهی و حکمرانی

در حوزه اندیشه ورزی آینده پژوهی نیز می توان به افرادی چون دانیل بل، مارشال مک لوهان، آلون تافلر، پال کندی و ... اشاره نمود که با خلق آثاری همچون جامعه فراصنعتی، موج سوم، در تدارک قرن بیست و یکم و بسیاری آثار دیگر در این عرصه، اندیشه های نابی را عرضه داشته اند. آنچه حائز اهمیت است، پی بردن به ضرورت غیر قابل انکار بهره گیری از آینده پژوهی است که امروزه جزء لاینفک نظام های سیاسی و کسانی است که به دنبال حفظ منافع خود در آینده و به تعبیری مسلط شدن بر آنها هستند.

آینده پژوهی، فرآیند اقدام سیستماتیک برای نگاه به آینده بلند مدت علم، تکنولوژی، محیط زیست، اقتصاد و اجتماع می باشد که با رویکرد شناسایی تکنولوژی های عام جدید و تقویت حوزه های تحقیقات استراتژیکی است که بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند. آینده پژوهی حوزه تحقیقاتی جدیدی است که تمامی عرصه های علمی را در بر گرفته و اثرات قابل توجهی در نگرش علمی به آینده امور در گستره تحولات ایجاد نموده است. بدین گونه که آینده پژوهی با تعیین یک یا چند هدف در آینده، تلاش ها را در جهت تحقق آن اهداف متمرکز و بسیج می سازد. در واقع آینده پژوهی از آینده به حال آمدن است برای ترسیم راه رسیدن به آینده. بر این اساس می تواند یک رویکرد اکتشافی نیز محسوب گردد.

آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش هایی است که با واکاوی منابع، الگوها و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می پردازد (دارابی، ۱۳۹۶: ۳۸). در واقع آینده پژوهی برون داد وضعیت متغیر یا باثبات حال، به منظور ترسیم و تجسم واقعیت آینده خواهد بود.

آلویس تافلر با انتشار کتاب موج سوم (۱۹۸۰) بیش از پیش و در ابعادی بی سابقه توجه جهان را به رویکرد آینده پژوهی جلب کرد. از منظر وی، آینده پژوهی سعی می کند با جستجوی رویا پردازانه آینده های ممکن، آینده های محتمل و ارزیابی ارزش مدارانه آینده های مطلوب، تصویر باورپذیر از آینده بیافریند.

براساس مجموعه نظریات مطرح در حوزه آینده پژوهی، سه نوع آینده؛ شامل آینده ممکن، محتمل و مطلوب قابل ترسیم و تصویرسازی می باشد. که با ترسیم هریک از آنها، آینده فرد، جامعه یا حاکمیت تصویرسازی می شود. در این فرآیند ترسیم سازی آینده، از فنون و روش هایی به منظور نظام مندسازی موضوع بهره گیری صورت می پذیرد که از مهمترین آنها می توان به تحلیل روند، مدل سازی، چشم اندازسازی، روش دلفی و سناریونویسی اشاره نمود. بالطبع هریک از این روش ها

دارای محاسن و معایبی هستند که با توجه به جامعه هدف، رویکرد و نوع نگاه آینده پژوه مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال در روش دلفی، ایده اولیه در مورد آینده مطرح می‌شود و متخصصین به ارائه نظرات خود پیرامون آن می‌پردازند. سپس نظرات و یا فرضیه‌های مطرح شده، مجدداً به ارزیابی و اظهار نظر متخصصین ناشناس برای یکدیگر، سپرده می‌شود تا جرح و تعدیل کنند. این روش تا رسیدن به اجماع و اتفاق نظر در مورد فرضیه یا فرضیه‌ها ادامه می‌یابد.

در روش سناریونویسی نیز که به گفته پیتر شوارترز در کتاب هنر دورنگری؛ ابزاری برای نظم بخشیدن به ادراکات فرد در محیط‌های متفاوت آینده است (ستاری خواه، ۱۳۷۳: ۷۸) تلاش می‌شود فرایندها و مسیری که برای رسیدن به آینده باید طی شود را ترسیم می‌سازند.

در روش سناریونویسی آینده‌سازی مطلوب و نامطلوب به طور توأمان ترسیم شده و رویکردهای اکتشافی و تجویزی نیز مورد استفاده بهره‌گیری قرار می‌گیرند. با توجه به آنچه گفته آمد، تبیین بیانیه گام دوم مبتنی بر آینده مطلوب و روش سناریونویسی انجام خواهد پذیرفت.

### ۳-پیشینه و جایگاه آینده نگری در جمهوری اسلامی ایران

نظام‌های سیاسی برای این شکل می‌گیرند که بمانند. در واقع برای تحقق اهداف از پیش تعریف شده خویش، می‌خواهند که بمانند و اهداف را محقق سازند. از دید رئالیست‌ها هدف اصلی دولت‌ها، مسئله بقا است.

هانس جی. مورگنتا در کتاب سیاست میان ملتها، با تأکید بر این موضوع، اشاره می‌دارد که: از اصول کلی و ثابت میان رئالیست‌ها، اصل بقاست. در این تفکر امنیت و بقا بر هر چیزی از جمله مسائل اقتصادی، توسعه و ... برتری داده می‌شود، تا جائیکه اگر میان مقتضیات محیط سیاسی با محیط اقتصادی تعارض پیش بیاید، همیشه اولویت با محیط سیاسی خواهد بود (۱۳۷۶: ۵).

به طور کلی از دید واقع‌گرایان؛ اصول انتزاعی اخلاقی را نمی‌توان در مورد اقدامات سیاسی مشخص به کار بست. بر این اساس برای بقاء نظام سیاسی می‌توان از ابزارهایی بهره‌جست که مورد تایید اصول اخلاقی نباشند.

موضوع بقاء و مانایی نظام سیاسی در تفکر مبتنی بر مبانی دینی، تعبیر و تعریف دیگری می‌یابد، چرا که هدف، لزوماً بقاء نیست، بلکه ماندن برای تحقق اهداف بلند و والایی است که از سوی شارع دین و یا حکمران دینی ترسیم شده است.

حضرت امیر (ع) در خطبه ۳۳ نهج البلاغه در طی پرسش و پاسخی با یکی از یاران خویش به نام ابن عباس جایگاه حکومت در نزد خویش را توصیف و ترسیم می‌سازد. این عباس می‌گوید در سرزمین ذی قار، خدمت امام رفتم که داشت کفش خود را پینه می‌زد، تا مرا دید فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: هیچ. فرمودند: به خدا سوگند، همین کفش بی ارزشش نزد من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر این که حقی را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع نمایم (دشتی، ۱۳۸۴: ۸۵).

بنابراین، بقاء برای نظام سیاسی یک دغدغه اساسی و کلیدی است، اما رویکرد به آن می‌تواند متفاوت باشد، اینکه بقاء هدف است یا وسیله‌ای برای تحقق اهداف دیگر.

دغدغه حفظ و بقاء نظام سیاسی، در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز صادق است. یکی از مهمترین اهداف شکل‌گیری انقلاب اسلامی، بر پایی تمدن اسلامی و بستر سازی برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) تبیین شده است. این خود بزرگترین آرمان در جامعه اسلامی است که زمینه سازی آن لوازم و امکانات مادی و غیرمادی قابل توجهی را مورد نیاز خواهد داشت. بنابراین جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی دین‌مدار، تلاش خواهد کرد تا آینده مورد ترسیم را محقق سازد. بر این اساس لازمه تحقق این آرمان بلند، بقاء و مانایی است. در ادامه با مرور بیانات و دیدگاه‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و نیز مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و



همچنین اقدامات و تلاش های صورت گرفته در راستای آینده ترسیم شده به وضعیت و جایگاه آینده نگری در جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

### ۳-۱ حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، که در شکل گیری نهضت اسلامی از دهه ۴۰ شمسی، نقش محوری در ساماندهی و پیش برد اهداف و آرمان ها بر عهده داشته اند، در کنار ترسیم وضعیت موجود، دغدغه آینده و بقاء نظام اسلامی را نیز مدن داشته و در بیانات مختلف خویش به آن پرداخته اند.

از دید ایشان آنچه آینده جمهوری اسلامی را خطر مواجه می سازد، دنیا طلبی و مادیگرایی، اختلافات و تعارض در بدنه مسئولان، انحراف و دور شدن مسئولان و مردم از اهداف و آرمان ها، وابستگی به ابرقدرت ها و عدم توجه به پتانسیل نیروی انسانی جوان و کارآمد است.

" رمز پیروزی وحدت کلمه است. اکنون با کمال خضوع می خواهیم از اختلافات دست برداشته و برای فردای خود فکر اساسی کنید، و از هرگونه اختلاف بپرهیزید که چون موربانه خوب و بد را نابود می کند" (صحیفه، ۶ : ۱۹۴). در واقع همانطور که رمز پیروزی انقلاب وحدت کلمه و یکپارچگی در مطالبات و آرمان ها بود، بقاء آن نیز به وحدت کلمه و پرهیز از اختلاف است، که بزرگترین آفت هر جریان اجتماعی، دو یا چند دستگی میان نیروها، بویژه رهبران و مسئولان است، و حضرت امام(ره) این موضوع را برای آینده نظام متذکر می شوند.

وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به کشورهای دیگر، آفت دیگری است که از نظر ایشان برای آینده انقلاب و نظام، مضر است(صحیفه، ۲۱: ۴۱۷). در این میان توجه به توانایی ها و داشته های درونی اعم از منابع مادی و غیر مادی می تواند راه گشای پیشرفت و تأمین آینده باشد، که حضرت

امام (ره) بر نیروی جوان، کارآمد و آینده ساز (صحیفه، ۹۹: ۲۱) تأکید ویژه نموده و معتقدند با بها دادن به نسل جوان می توان به آینده امیدوار بود.

از جمله موارد دیگری که در رویکرد و دیدگاه‌های حضرت امام (ره) به عنوان فقیه دینی، در آینده و حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی، بسیار کلیدی و حائز اهمیت است، حفظ انگیزه الهی در امور است و آن را عامل برقراری دین و حکومت اسلامی می دانند.

" اینجانب به همه نسل های حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استعمارگران داخلی و خارجی از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم به آن سفارش فرموده است، از دست ندهید (صحیفه، ۲۱: ۴۰۴).

حفظ و پاسداشت حمایت و پشتیبانی مردمی برای نظام اسلامی، نکته دیگری است که از نظر بیانگذار جمهوری اسلامی، پایداری نظام را در پی خواهد داشت و تأکید ویژه ایی نیز بر خدمتگزاری و رسیدگی به عموم مردم به عنوان ولی نعمتان انقلاب اسلامی و مسئولان دارند که در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش نیز مورد توجه و تأکید قرار داده اند:

" ... به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می کنم که قدر این ملت را بدانید و در خدمت‌گزاری به آن‌ها خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشمان ما و اولیاء نعم همه هستند، و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد، و بقاء آن مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید (صحیفه، ۲۱: ۴۱۲).

بطور کلی آینده کشور ایران و بقاء نظام جمهوری اسلامی، از دید حضرت امام خمینی (ره) از مجموعه عواملی نشأت می گیرد که با تکیه بر بر شرایط داخلی تحقق پذیر است. ریزه عملکرد مسئولان در مواجهه با چالش‌ها که نیاز به وحدت و هم دلی دارد و از تعارض و اختلاف باید

پرهیز نمود و نیز توجه به پشتوانه بودن مردم برای نظام. در واقع خطر بزرگ، دوری از مردم و از دست رفتن اتحاد و همبستگی است که بقاء را با مخاطره مواجه می‌سازد.

### ۳-۲ مقام معظم رهبری

در منظومه فکری مقام معظم رهبری یکی از پایه‌ها و مبانی فکری، حرکت در چارچوب دین اسلام است. بر این اساس بقاء و تداوم حیات نظام را نیز از این منظر و نگاه تبیین می‌کنند.

"راهی که نظام اسلامی در پیش گرفته است، یک راه مبارک است که در آن همه امکانات برای بقاء به وسیله حکمت پروردگار فراهم شده است. این راه شکست‌ناپذیری است که در آن جهاد برای دفع دشمن و رحما بینهم برای قابل زیست کردن محیط زندگی وجود دارد و راهی است که مبارزه با اسرائیل و آمریکا و تحکیم ارتباطات مناسبات و دوستانه با کشورها و ملت‌های دنیا را دنبال می‌کند (بیانات در دیدار روحانیون و طلاب مبلغ ۱۳۵۷/۲/۲۶).

تاکید بر نقش مردم در بقاء نظام، نکته مهم دیگری است که مورد توجه مقام معظم رهبری است.

"بدون آراء، حضور و تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی برپا نمی‌شود و بقاء پیدا نمی‌کند، بنابراین در نظام اسلامی هیچ کس نباید رای و خواست مردم را انکار کند" (سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۳/۱۴).

از منظر مقام معظم رهبری نظام جمهوری اسلامی به واسطه مبنای معرفت دینی و فطری که دارد، زنده و پیشرونده خواهد بود:

"نظامی که بر مبنای اخلاق است، بر مبنای معرفت است، بر مبنای اصول اسلامی است، بر مبنای آرمان‌های فطری است، اگر صدها سال هم از عمرش بگذرد، پیر بشو نیست، می‌تواند همیشه زنده باشد، همیشه شاداب باشد، همیشه زاینده و پیشرونده باشد، مهم این است. با این دید به نظام جمهوری اسلامی نگاه کنید. البته نظام ما با گذشت سی سال، در اول عمرش قرار دارد، یعنی در

مقابل شدیم هایی که در دنیا حاکم اند - دویست سال، سیصد سال- این نظام هنوز نظام جوانی است نظام ما از نشاط جوانی - به معنای واقعی کلمه- برخوردار است. اما در افق آینده هم که نگاه می کنیم، این حالت، حالت ماندگار و همیشگی است. یک نظام بالنده، بانشاط، پیشرونده و پیر نشونده، این نظام جمهوری اسلامی است (دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۴).

بطور کلی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری با تبیین وجوه مختلف و مشترکی از مبانی و ضرورت های آینده نگری، به عوامل بقاء در جمهوری اسلامی پرداخته اند. در واقع بسترهای حرکت رو به جلوی نظام اسلامی را پابندی به زمینه های بقاء و مانایی آن مرتبط دانسته و بر این اساس درک آینده را در گرو درک شرایط فعلی ترسیم می نمایند

### ۳-۳ سند چشم انداز ۱۴۰۴

همان گونه که در سخن آمد، ترسیم آینده و راهبرهای لازم برای تحقق آن، امید به آینده را در یک جامعه افزایش می دهد. نظام جمهوری اسلامی ایران پس از استقرار از سال ۱۳۵۸ به واسطه چالش ها و مشکلات پرفراز و فرودی که تجربه نمود، امکان برنامه ریزی و سیاستگزاری بلند مدت و گاهی میان مدت را در ابتدای راه نیافت. حوادث ووقایعی چون در گیریها و جدایی طلبی، ترورهای مسئولات رده اول نظام، جنگ تحمیلی، تحریم و ... بخشی از چالش هایی است که نظام جمهوری اسلامی را از برنامه ریزی بلندمدت باز می داشت. پس از جنگ به تدریج امیدواری به بقاء و آینده افزایش یافت به طوری که شاهد تدوین برنامه های همچون برنامه های توسعه پنج ساله از دهه هفتاد شمسی هستیم. که تا کنون ۶ برنامه اجرایی و در حال انجام است.

بر این اساس از دهه ۷۰ شمسی به بعد امکان و شرایط برای آینده نگری بیش از گذشته فراهم گردید. در واقع آن نگاه آرمانی و اهداف بلند ترسیم شده در جریان انقلاب اسلامی پس از عبور از فراز و فرودهای انقلاب، شرایط تحقق پذیری را یافت.

در این راستا اقداماتی در جهت رفع چالش‌ها و مشکلات در دستور کار نظام قرار گرفت که می‌توان به فرمان هشت ماده‌ای حضرت امام (ره) و نیز فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاستهای کلی نظام، سیاستهای اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اشاره نمود.

در این میان تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله، رویکرد نوینی بود که نشان از برنامه‌ریزی بلندمدت و آینده‌نگرانه را در سیاست‌های نظام متبلور می‌ساخت. به واقع سند چشم‌انداز اولین تجربه حاکمیتی جمهوری اسلامی در مسیر آینده‌نگری محسوب می‌شود، که با ترسیم الگوی حکمرانی، در جهت رسیدن به اهداف و آرمان‌ها گام بر می‌دارند، در این سند ایران ۱۴۰۴ چنین توصیف شده است:

"با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

همانطور که مشاهده می‌شود، هدف این سند چشم‌انداز، ایران توسعه یافته، الگو و الهام‌بخش در مدت زمان ۲۰ ساله اجرای آن است. به طور طبیعی لازمه این توسعه یافتگی و الهام‌بخش بودن، ایجاد بسترها و زمینه‌های رشد توسعه از جهات و در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و فناوری است، به گونه‌ای که جایگاه اول منطقه‌ای تحقق یابد.

بررسی روند اجرایی این سند در سال‌های طی شده از سال ۱۳۸۴ به این سو، نشان می‌دهد، در برخی از حوزه‌ها مثل علم و فناوری و یا الگوسازی منطقه‌ای مثل محور مقاومت، به بخش قابل

توجهی از اهداف چشم انداز دستیابی صورت گرفته است. اما به طور ویژه در حوزه اقتصادی این هدف محقق نشده است، که خود دلایل مختلفی همچون سوء مدیریت، تحریم و ... را داشته و دارد. طبق گزارش شماره ۵۵-۲ اسفند ماه ۱۳۹۶ سازمان برنامه و بودجه کشور با عنوان مقایسه تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران با کشورهای حوزه سند چشم انداز در دوره ۸۴ تا ۹۵، تحقق اهداف، نیازمند تلاش مضاعف بوده و با روند حرکتی موجود، رسیدن به اهدافی همچون اقتصاد اول منطقه، امری دشوار و پیچیده خواهد بود. در سال های بعد نیز به دلایل و عوامل مختلف اعم از داخلی و خارجی این وضعیت ادامه داشته است.

براساس آنچه مطرح گردید، دستیابی به اهداف سند چشم انداز به طور کامل صورت نپذیرفته است. از مهمترین دلایل عدم دستیابی به اهداف می توان به عدم هماهنگی بین بخشی در ارکان حاکمیت اشاره نمود که تحقق اهداف چشم انداز را با تأخیر یا عدم تحقق مواجه ساخته است. از این رو می توان صدور بیانیه گام دوم در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در ترسیم آینده و تلاش برای دستیابی به اهداف و آرمان ها قلمداد نمود، چرا که نظام جمهوری اسلامی، خود را نظامی پویا و به روز رسان می داند. براین اساس با باز آفرینی اهداف سند چشم انداز در قالب بیانیه گام دوم و یاد آوری هدف اصلی که تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور است، حرکت در مسیر آینده را یاد آور می شود.

#### ۴- بیانیه گام دوم، گامی آینده نگرانه

بیانیه گام دوم که از سوی مقام معظم رهبری صادر شده است، با تبیین سه وضعیت گذشته، حال و آینده، در صدد برآمده مهمترین شاخص های پیش برنده و محقق کننده اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و نیز مرتفع ساختن موانع و مشکلات را تبیین نماید. در این بیانیه، با تأکید بر مواردی چون؛ علم و پژوهش، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، اخلاق و معنویت و ... تلاش

می شود آینده ایی روشن پیش روی جامعه ترسیم گردد. آینده ایی که تحقق آن در گرو عمل به توصیه های هفت گانه مورد اشاره در بیانیه گام دوم قلمداد شده است.

این بیانیه در واقع یک سند آینده نگرانه با هدف گذاری در آینده و ترسیم وضعیت موجود، به منظور آماده سازی شرایط و امکانات در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و ... است که در راستای تحقق آرمان بلند تمدن نوین اسلامی و بستر سازی ظهور منجی آخر الزمان (عج) تعریف و تبیین شده است.

در تحقق آینده مطلوب؛ شناخت وضع موجود و گذشته بسیار حائز اهمیت است. این موضوع منجر به شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها شده و امکان سیاستگذاری برای آینده و رسیدن به هدف ترسیم شده را فراهم می سازد. بیانیه گام دوم از این مزیت بزرگ که تبیین گذشته و حال و ترسیم آینده است برخوردار بوده و بر همین اساس نقطه عطفی در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می گردد.

ایران زمین در گذشته، حداقل دو دوره تمدنی پیش و پس از اسلام را تجربه کرده است و از قرن هشتم ه.ش به بعد و سلطه بیگانگان و حاکمان ناکارآمد، شاهد فرو ریختن ساختار اجتماعی و گسترش فردگرایی، منفعت طلبی، تبعیض، فساد و... در ساختار حکمرانی هستیم. تلاش های صورت گرفته از قبیل قیام مشروطه و... نیز نتیجه مطلوبی در پی نداشته است.

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تلاش فراگیری در راستای ایجاد حکمرانی مطلوب با مختصات دینی بوده است که از مهمترین اهداف و آرمان های آن تأسیس جامعه اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی است. بر این اساس و به منظور رسیدن به آن آرمان بلند، شکل دادن به ساختار سیاسی (دولت سازی) در دستور کار قرار گرفته و متعاقب آن برپا داشتن جامعه اسلامی پیگیری می شود.

صدور بیانیه گام دوم در چهل سالگی پیروزی انقلاب اسلامی، یادآوری و پیگیری مسیر طی شده و پیش رو است.

مقام معظم رهبری در این بیانیه با برشمردن برخی از مهمترین ثمرات و نتایج انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از قبیل: رشد بینش سیاسی، گسترش مشارکت مردمی، افزایش چشمگیر معنویت، ثبات و امنیت و... و نیز برخی از کاستی‌ها و چالش‌ها از جمله؛ عدالت، اقتصاد، استکبار و... به ترسیم نگاه خوشبینانه نسبت به آینده می‌پردازند و گام دوم را پیگیری و تحقق تمدن نوین اسلامی بیان می‌فرمایند. از دید ایشان، تحقق آرمان بلند، بر مبنای دو مقدمه مهم شامل خودسازی و جامعه‌پذیری و نیز هفت سرفصل صورت خواهد پذیرفت.

" اکنون به شما فرزندان عزیزم، در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی. مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است... ". (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱۰).

همانطور که مشاهده می‌شود، از دید مقام معظم رهبری، لازمه تحقق تمدن نوین اسلامی، تبیین و پیاده‌سازی توصیه‌های هفتگانه فوق‌الذکر است. این یعنی هر یک از اجزاء جامعه در حوزه‌های مختلف دارای نقش است و توجه به آن نقش و کارکردهای مترتب بر آن امری ضروری می‌نماید.

اگر مبتنی بر رویکرد رهبری معظم انقلاب، مراحل پنجگانه یعنی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی را مدنظر قرار دهیم، امروز در مرحله دولت اسلامی و زمینه‌سازی جامعه اسلامی هستیم تا بتوان در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی گام نهاد. در این مرحله



ایفای نقش صحیح از سوی دولت به معنای فراهم ساز بستر و زمینه عملکرد صحیح و کارآمد مبتنی بر دین اسلام بعنوان آرمان و هدف انقلاب اسلامی بسیار باید مورد توجه قرار بگیرد. چرا که رسیدن به ایرانی قوی و الگوساز در بستر دولت و جامعه اسلامی ممکن خواهد بود.

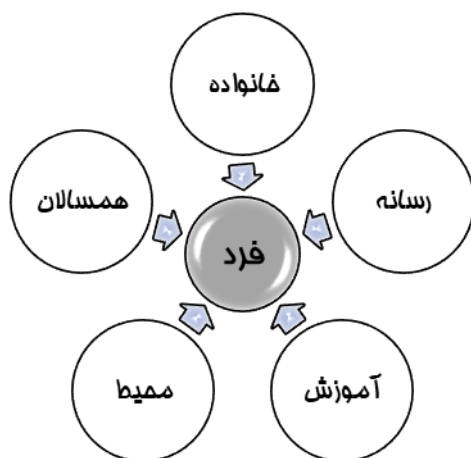
سناریوی ترسیم شده براساس بیانیه گام دوم، نقش دادن به اعضای مختلف جامعه اعم از عالمان، جوانان، سیاسیون، فعالان عرصه اقتصاد و در واقع آحاد جامعه از طیف‌ها و صنوف مختلف است که هر یک در رسیدن به اهداف و آرمان‌نقشی بر عهده دارند و عملکرد صحیح و ایفای درست نقش در رسیدن به هدف پایانی یعنی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در این میان طبق بیانیه، نقش جوانان، نقشی ویژه و کلیدی است که آینده به واسطه آنان محقق‌شونده تر است. بر این اساس و با دید آینده‌نگرانه بیانیه گام دوم، باید مدیریت صحیحی بر نقش‌آفرین‌ها صورت پذیرد تا آینده ترسیم شده در مسیر تحقق قرار بگیرد.

جوانی دارای ویژگی‌هایی چون؛ نشاط، پویایی، جسوری، پرسشگری، مطالبه‌گری، نوگرایی، تحول‌خواهی، امیدواری، خستگی‌ناپذیری، پراکنجی و... است که ظرفیت عظیم و سرمایه‌ای ارزشمند برای یک جامعه در مسیر رشد و توسعه خواهد. سرمایه‌ای انسانی که با شناخت صحیح آن و فرصت‌سازی برای شکوفایی استعداد‌های نهفته، می‌توان گام‌های مؤثری در ساخت آینده برداشت. بازیگردانی صحیح در این سناریو، یک امر اساسی و کلیدی است که با هماهنگ‌سازی هریک از نقش‌آفرینان با محوریت هدف نهایی، رسیدن به آرمان را باور پذیر می‌سازد.

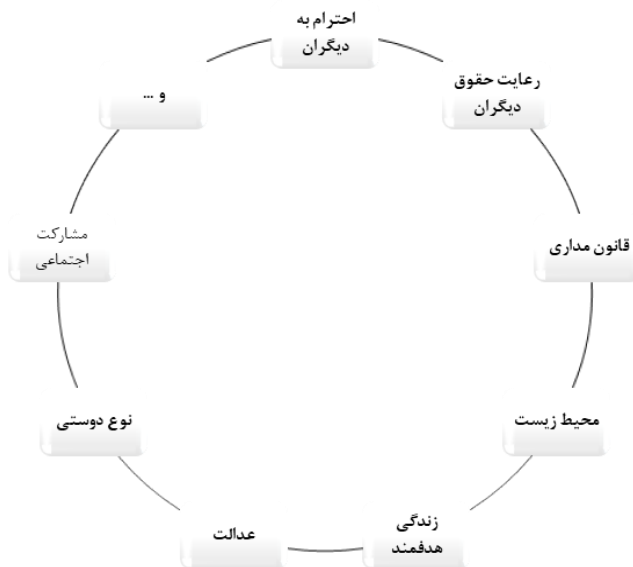
نکته مهم دیگر مقدمات رسیدن به تمدن نوین اسلامی است که در ابتدای بیانیه مورد اشاره و تأیید قرار گرفته است. خودسازی و جامعه‌پذیری، مقدمه رسیدن به تمدن است. یعنی انسان در تراز جامعه تمدنی. برای این امر ساختارها و نهادهای مختلف جامعه باید بتوانند با ترسیم یک فرآیند

صحیح و ارائه محتوای مناسب، اعضاء و فرزندان جامعه امروز را برای تحقق اهداف، آماده و مهیا سازند.



لازمه تحقق جامعه تمدنی، وجود انسان در تراز آن جامعه است. یعنی این فرد باید برای آن جامعه ساخته شود. در این میان نقش خانواده، مدرسه و دانشگاه، رسانه (مجازی، حقیقی، صوتی، تصویری، مکتوب و...) محیط و همسالان، بسیار در شکل‌گیری شخصیت انسان مدنظر (که آحاد جامعه هستند) اثر گذار و حائز اهمیت است.

در مرحله بعد، جامعه‌پذیری، مورد تاکید قرار گرفته است. یعنی انسانی که برای جامعه تمدنی ساخته می‌شود، باید بتواند در زیست اجتماعی موفق عمل نماید. احترام به دیگران، احترام به حقوق دیگران، رعایت قانون، توجه به محیط زیست، نوع دوستی و به طور کلی سبک زندگی مبتنی بر تمدن نوین اسلامی، چارچوب اصلی جامعه‌پذیری را تشکیل می‌دهد که این مرحله آمادگی ورود به جامعه تمدنی و تحقق آرمان بلند، را فراهم می‌سازد.



در واقع بیانیه گام دوم با یک جامعیت در مسیر آینده نگری و ترسیم مسیر تحقق آن گام نهاده است و بر همین اساس، نسبت به سند چشم انداز، تحقق پذیرتر خواهد بود.

چرا که مقام معظم رهبری، در تبیین توصیه های هفتگانه (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی؛ روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی) واضح و روشن، لازمه تحقق آرمان تمدنی را توجه ویژه و پیاده سازی توصیه ها مورد تاکید قرار می دهند.

### ۵- نتیجه گیری

طبق آنچه در این نوشتار مورد بررسی و تبیین قرار گرفت، جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اندوخته های تجربی ۴۰ ساله به دنبال تحقق جامعه ای تمدنی با محتوای اسلامی است. جامعه ایی که در آن زمینه ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) بستر سازی و فراهم گردد.

بر این اساس بیانیه گام دوم، جایگاه ویژه ایی در این آینده نگری خواهد داشت. چرا که تبیین جامع و مانع ایی در این خصوص ارائه نموده است. با آسیب شناسی راه طی شده، به دنبال ترسیم آینده است. جامع نگری مقام رهبری، با در نظر گرفتن تمام ظرفیت های موجود بالقوه و بالفعل جامعه؛ راهگشای تحقق آینده خواهد بود. در واقع این بیانیه همانند یک سناریو، با ترسیم

هدفی مشخص به نقش دادن به اعضای مختلف و اثرگذار جامعه اعم از جوانان، عالمان، سیاست مداران، اقتصاددانان، فعالان عرصه های اقتصادی و فرهنگی و... پرداخته و تنها را تحقق هدف را نقش آفرینی صحیح بر مدار توصیه های هفت گانه قرار داده اند.

و نهایت این که؛ در راستای رسیدن به هدف مبتنی بر بیانیه گام دوم، به روز رسانی و کارآمدسازی ساختارها و نهادهای متولی در حوزه اجرائی و تقنینی باید مورد توجه قرار بگیرد. به رسمیت شناختن پژوهش گاه ها و مراکز علمی و تحقیقاتی آینده پژوهی و اندیشگاه های متمرکز بر آینده، بازخوانی و بازسازی نظام آموزشی (مدرسه و دانشگاه)، رسانه، هنر و... در ساختن آینده مبتنی بر بیانیه باید از اهمیت ویژه و عملیاتی برخوردار باشند.

بطور کلی ترسیم و تعیین نقش و مطالبه گری ایفای صحیح نقش محول شده مبتنی بر سناریوی بیانیه گام دوم رکن کلیدی تحقق پذیری آرمان خواهد بود. به واقع باید این موضوع در جامعه نهادینه شود که سعادت و بهره مندی از مواهب الهی در زیست این جهانی و آن جهانی، با رویکرد آینده نگرانه که ساخت فردا در گرو درک صحیح از شرایط امروز و گذشته است، قابل تحقق و دسترسی خواهد بود.

### کتابنامه

- قرآن کریم.
- امام خمینی، (۱۳۸۵). صحیفه نور. تهران: نشر عروج.
- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰) مبانی سیاست، جلد ۱، تهران، نشر توس.
- افلاطون. (۱۳۶۵)، دوره آثار. محمد حسین لطفی. تهران، نشر خوارزمی.
- امام علی (ع). (۱۳۷۹) نهج البلاغه. محمد دشتی. قم، نشر مشهور.
- بل، وندل. (۱۳۹۸). مبانی آینده پژوهی. معصومه کاظمی. تهران، نشر علوم و فنون دفاعی.
- تافلر، آلوین. (۱۳۹۹). موج سوم. شهین دخت خوارزمی. تهران. نشر نو

- حاجی ناصری، س، و شیخ سرایی، ن. (۱۳۹۶). آینده پژوهی انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی. سال ششم، شماره ۲۱: صفحات ۱۲۹ تا ۱۵۲.
- دارابی، علی. (۱۳۹۶). انقلاب اسلامی: بیم ها و امیدها. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دوورژه، موریس (۱۳۹۵). اصول علائم سیاست. ابوالفضل قاضی. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- راش، مایکل (۱۳۹۳). جامعه و سیاست. منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
- ستاری خواه، علی (۱۳۹۳). آینده پژوهی و سناریو نویسی کاربردی. تهران، نشر فرارگاه پدافند هوایی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. احد علیقلیان و همکاران. تهران: نشر طرح نو.
- محمدی لرد، ع. (۱۳۹۵). آینده پژوهی ثبات سیاسی ایران. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مقیمی، سعید (۱۳۸۹). بازخوانی، تردید و بازسازی برخی فرض های انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. شماره ۱۰، ۱۳۵ تا ۱۶۹.
- ملکی فرد، ع. (۱۳۸۵). الفبای آینده پژوهی. تهران: نشر کران علم.
- مولایی، م و طالبیان، ح. (۱۳۹۵). آینده پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۶. صفحات ۵ تا ۳۲.

- سایت [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir)